

حماسه ۹ دی

در کلام

مقام معظم رهبری
(دام عزه)

من در همین فتنه‌ی ۸۸ به بعضی دوستان قرائن و شواهد را نشان دادم؛ حداقل از ده سال، پانزده سال قبل از آن، برنامه‌ریزی وجود داشت. از بعد از رحلت امام برنامه‌ریزی وجود داشت؛ اثر آن برنامه‌ریزی در سال ۷۸ ظاهر شد؛ مسائل کوی دانشگاه و آن قضایائی که اغلب یادتان هست، قضایائی که سال گذشته پیش آمد، یک تجدید حیاتی بود برای آن برنامه‌ریزی‌ها.

پیام حماسه بی نظیر ۹ دی را در کلام رهبر معظم انقلاب دام ظلّه العالی می بینیم.

۱. تعریف فتنه، ریشه و آثار آن :

فتنه معنایش این است که یک عده‌ای بیایند با ظاهر دوست و باطن دشمن وارد میدان شوند، فضا را غبارآلود کنند؛ در این فضای غبارآلود، دشمن صریح بتواند چهره‌ی خودش را پنهان کند، وارد میدان شود و ضربه بزند. . . . فتنه‌گر یک تکه حق، یک تکه باطل را می‌گیرد، اینها را با هم مخلوط می‌کند، در کنار هم می‌گذارد؛ «فحیثنذ یشته الحقّ علی اولیائه»؛ آن وقت کسانی که دنبال حقند، آنها هم برایشان امر مشتبه میشود. فتنه این است دیگر (۱۳۸۱/۱۰/۲۹)

«و اتّقوا فتنه لا تصیبنّ الذّین ظلموا منکم خاصّه»، (انفال: ۲۵) خیلی مهم است. ممکن است در یک ساختمان، آن کسی که بنزین می‌ریزد و بی احتیاطی می‌کند و کبریت می‌کشد، یک نفر باشد؛ اما کسی که می‌سوزد، فقط آن یک نفر نیست. ممکن است یک نفر کشتی را سوراخ کند؛ اما کسی که غرق می‌شود، فقط آن یک نفر نیست. قرآن می‌گوید از یک چنین فتنه‌ای پرهیز کنید؛ که وقتی آمد، فقط دامن آن کسی را که موجب فتنه است، دامن آن کسی را که ظالم است، نمی‌گیرد؛ دامن بی‌گناه‌ها را هم می‌گیرد؛ دامن کسانی را هم که در ایجاد این فتنه تأثیر نداشته‌اند، می‌گیرد. «و اتّقوا»؛ از یک چنین فتنه‌ای پرهیز کنید، مراقب باشید. لازمه‌ی این کار چیست؟ لازمه‌اش خودنظارتی است؛ یعنی بر یکدیگر نظارت کنیم؛ «و تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصّبر»؛ (عصر: ۳) دائم تواصی کنیم. اینها نشانه‌های سلامت است. (۱۳۹۱/۰۳/۲۴)

فتنه یعنی کسانی شعارهای حق را با محتوای صددرصد باطل مطرح کنند، بیاورند برای فریب دادن مردم. هدف از ایجاد فتنه، گمراه کردن مردم است. (۸۹/۱۰/۸)

من در همین فتنه‌ی ۸۸ به بعضی دوستان قرائن و شواهد را نشان دادم؛ حداقل از ده سال، پانزده سال قبل از آن، برنامه‌ریزی وجود داشت. از بعد از رحلت امام (ره) برنامه‌ریزی وجود داشت؛ اثر آن برنامه‌ریزی در سال ۷۸ ظاهر شد؛ مسائل کوی دانشگاه و آن قضایائی که اغلب یادتان هست، بعضی هم شاید درست یادشان نباشد. قضایائی که سال گذشته پیش آمد، یک تجدید حیاتی بود برای آن برنامه‌ریزی‌ها. (۱۳۸۹/۰۸/۰۴)

۲. حجت الهی در زمان فتنه

در شرائط فتنه، کار دشوارتر است؛ تشخیص دشوارتر است. البته خدای متعال حجت را همیشه تمام می‌کند؛ هیچ وقت نمی‌گذارد مردم از خدای متعال طلبکار باشند و بگویند تو حجت را برای ما تمام نکردی، راهنما نفرستادی،

ما از این جهت گمراه شدیم. در قرآن مکرر این معنا ذکر شده است. دست اشاره ی الهی همه جا قابل دیدن است؛ منتها چشم باز می‌خواهد. اگر چشم را باز نکردیم، هلال شب اول ماه را هم نخواهیم دید؛ اما هلال هست. (۱۳۸۸/۱۰/۱۹)

۳. تعریف بصیرت و موانع

یک‌ملتی که بصیرت دارد، مجموعه‌ی جوانان یک کشور وقتی بصیرت دارند، آگاهانه حرکت می‌کنند و قدم برمی‌دارند، همه‌ی تیغهای دشمن در مقابل آنها کند می‌شود. بصیرت این است. بصیرت وقتی بود، غبار آلودگی فتنه نمی‌تواند آنها را گمراه کند، آنها را به اشتباه بیندازد. اگر بصیرت نبود، انسان ولو با نیت خوب، گاهی در راه بد قدم می‌گذارد. شما در جبهه‌ی جنگ اگر راه را بلد نباشید، اگر نقشه‌خوانی بلد نباشید، اگر قطب‌نما در اختیار نداشته باشید، یک وقت نگاه می‌کنید می‌بینید در محاصره‌ی دشمن قرار گرفته‌اید؛ راه را عوضی آمده‌اید، دشمن بر شما مسلط می‌شود. این قطب‌نما همان بصیرت است.

در زندگی پیچیده‌ی اجتماعی امروز، بدون بصیرت نمی‌شود حرکت کرد. جوانها باید فکر کنند، بیندیشند، بصیرت خودشان را افزایش بدهند. معلمان روحانی، متعهدان موجود در جامعه‌ی ما از اهل سواد و فرهنگ، از دانشگاهی و حوزوی، باید به مسئله‌ی بصیرت اهمیت بدهند؛ بصیرت در هدف، بصیرت در وسیله، بصیرت در شناخت دشمن، بصیرت در شناخت موانع راه، بصیرت در شناخت راه‌های جلوگیری از این موانع و برداشتن این موانع؛ این بصیرتها لازم است. وقتی بصیرت بود، آنوقت شما میدانید با کی طرفید، ابزار لازم را با خودتان برمی‌دارید. (۱۳۸۸/۰۷/۱۵)

فتنه مثل یک مه غلیظ، فضا را نامشخص میکند؛ چراغ مه‌شکن لازم است که همان بصیرت است. (۱۳۸۹/۴/۲)

۴. وظیفه مردم در چگونگی مقابله با فتنه

این هشجاری، موقع سنجی، لحظه را به حساب آوردن، خصوصیت برجسته و مهمی است که باید ملت ما در همه‌ی موارد متوجه باشند؛ آنجائی که دشمنی و توطئه‌ی دشمن حس می‌شود، به صورت لحظه‌ای باید همه حساسیت نشان بدهند. این از ناحیه‌ی مردم. (۱۳۹۱/۷/۱۹)

بایستی ارتباط خود را با خدا حفظ کنیم، مستحکم کنیم. خاصیت یک حرکت الهی همین است: همتهای مردم، کارهای مردم، عزم و اراده‌ی مردم، حضور مردم، در کنار توجه به خدا، در کنار دلهای آماده‌ی برای تضرع؛ اینها خیلی مهم است. ارتباط خود را با خدا قوی کنیم. نگذاریم دلهای ما متمایل به سمتی شود که ما را از راه خدا دور کند؛ «رَبَّنَا لَا تَزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً»؛ (آل عمران: ۸) این دعائی است که قرآن به ما یاد میدهد. (۸۹/۱۰/۸)

فتنه‌گر و دشمن همیشه هست؛ امروز یک دشمن است، فردا یک دشمن دیگر است، پس فردا یک کس دیگر است، یک جور دیگر است. یک ملت وقتی بیدار بود، آگاه بود، عازم بود، ایمان خودش را حفظ کرد، زنده بود، رویش داشت، با همه‌ی این معارضه‌ها با آسانی - که روزبه‌روز آسانتر هم خواهد شد - ایستادگی می‌کند، دست و پنجه نرم می‌کند، بر همه‌ی این معارضه‌ها هم فائق می‌آید. (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)

"هوشیاری و موقع سنجی لحظه‌ای" خصوصیت برجسته‌ای است که مردم همواره باید به آن توجه داشته باشند و به محض توطئه دشمن، به صورت لحظه‌ای واکنش نشان دهند. (۱۳۹۱/۰۷/۱۹)

۵. طراحان اصلی فتنه

در آن فتنه، طراح و نقشه‌کش و مدیر در بیرون از مرزها بوده و هست و عده‌ای بخاطر حب به نفس و حب به مقام اسیر توطئه آنها شدند و دانسته یا ندانسته با آنها همکاری کردند. (۱۳۸۹/۱۱/۱۵)

دشمن محاسبات خیلی دقیقی کرده بود؛ متتها خوب، محاسباتش غلط از آب درآمد؛ ملت ایران را نشناخته بود. دشمن در پشت صحنه، همه‌ی چیزها را مشاهده کرده بود. این کسانی که شما بهشان می‌گوئید سران فتنه، کسانی بودند که دشمن اینها را هل داد وسط صحنه. البته گناه کردند. نبایستی انسان بازیچه‌ی دشمن شود؛ باید فوراً قضیه را بفهمد. (۱۳۸۹/۱۰/۱۹)

۶. ترکیب جمعیتی فتنه

کسانی که در مقابل عظمت ملت ایران در انتخابات ایستادند، از ملت نیستند بلکه افراد ضد انقلاب صریح (منافقان، سلطنت طلبان و...) و یا افرادی هستند که بر اثر جهالت و لجاجت خود همان کار ضدانقلاب را انجام می‌دادند و ربطی به توده مردم ندارند. (۱۳۸۸/۱۱/۱۹)

۷. حامیان اصلی فتنه و محورهای تبلیغی آنها

ایشان با یادآوری حمایت آمریکا، انگلیس، کشورهای غربی و منافقان و سلطنت طلبان از "فتنه پس از انتخابات افزودند همراهی دشمنان و فتنه‌گران به تجلی عظمت پرشکوه ملت ایران در ۹ دی و ۲۲ بهمن ۸۸ منجر شد. (۱۳۸۹/۰۳/۱۴)

آن حجم عظیم تبلیغات دشمن که میخواست فتنه‌گران را مردم ایران معرفی کند و اینجور نشان بدهد که مردم ایران از انقلابشان، از نظامشان برگشتند (۹۰/۹/۲۱)

۸. اهداف فتنه

آنها فتنه سال ۸۸ را برای زمین زدن نظام جمهوری اسلامی، تقویت و یا تدارک کردند. (۱۳۹۰/۰۵/۱۶)

به گمان آنها بساط جمهوری اسلامی بنا بود جمع شود؛ نه فقط حقیقت دین، حتی شعارهای دینی هم باقی نماند؛ برنامه این بود. (۱۳۸۹/۱۰/۱۹)

توطئه‌ی بزرگی پشت فتنه‌ی سال ۸۸ بود. این فتنه خیلی چیز مهمی بود، قصدشان خیلی قصد عجیب و غریبی بود؛ در واقع می‌خواستند ایران را تسخیر کنند. (۱۳۸۹/۰۸/۱۲)

۹. فتنه گران و تناقض رفتاری آنها

اینهائی که عامل فتنه بودند - توی خیابان، یا بعضی از سخنگویانشان - اغلب ندانسته وارد این میدان شده بودند؛ اما دستهای اینها را هدایت می‌کرد، نمی‌فهمیدند. حالا این که چطور بعضی‌ها وارد این میدان شدند، چطور ندانسته به دشمن کمک کردند، خودش تحلیل‌های دقیق روانشناختی دارد؛ اما واقعیت قضیه این است که عرض کردم. این مسئله خیلی کار بزرگی بود؛ این کار را شما جوانها به سامان رساندید. (۱۳۸۹/۰۸/۱۲)

بعضی در این فتنه و در این جنجال وارد شدند، نفهمیدند اسم این براندازی است؛ نفهمیدند این همان فتنه است که امیرالمؤمنین فرمود: «فی فتن داستهم بأخفافها و وطئهم بأظلافها و قامت علی سناکها». (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۳) فتنه خُرد و نابود می‌کند کسانی را که زیر دست و پای فتنه قرار بگیرند. آنها نفهمیدند این فتنه است. یک حرفی را یکی گفت، اینها هم تکرار کردند. پس نمی‌شود همه را محکوم به یک حکم دانست. حکم معاند متفاوت است با حکم غافل. البته غافل را هم باید بیدار کرد. شواهد و قرائن فراوان اثبات می‌کند که حوادثی که گاه در کشور رخ می‌دهد از جمله حوادث سال ۷۸ و فتنه ۸۸، از نتایج برنامه ریزی‌های میان مدت و بلندمدت دشمن است. (۱۳۸۹/۰۸/۰۴)

شعار طرفداری از قانون می‌دهند، عمل صریحاً بر خلاف قانون انجام می‌دهند. شعار طرفداری از امام می‌دهند، بعد کاری می‌کنند که در عرصه‌ی طرفداران آنها، یک چنین گناه بزرگی انجام بگیرد؛ به امام اهانت بشود، به عکس امام اهانت بشود. این، کار کمی نیست؛ کار کوچکی نیست. دشمنان از این کار خیلی خوشحال شدند. فقط خوشحالی نیست، تحلیل هم می‌کنند. بر اساس آن تحلیل، تصمیم می‌گیرند. (۱۳۸۸/۰۹/۲۲)

۱۰. گناه سران فتنه

گناه آتش‌افروزان فتنه‌ی ۸۸ همین بود که به قانون تمکین نکردند، به رأی مردم تمکین نکردند. ممکن است کسی بعد از انتخابات اعتراض داشته باشد؛ خیلی خوب، این اعتراض ایرادی ندارد؛ اما راه قانونی دارد که چگونه باید این اعتراض را بیان و دنبال کرد. اگر قانون را قبول داریم، باید از آن راه برویم. این هم نکته‌ی اصلی است. (۱۳۹۰/۰۷/۲۰)

حتی اگر با نگاه خوشبینانه به آن ماجرا نگاه کنیم، گناه بزرگ و غیرقابل اغماض فتنه گران این است که شبهه و خدشه ذهنی خود را به چالشی در مقابل نظام تبدیل کردند و به نظام و کشور ضربه زدند. (۱۳۹۲/۰۳/۰۸)

گناه بزرگی که برخی از دست اندرکاران فتنه‌ها در کشور انجام می‌دهند، امیدوار کردن دشمن است؛ دشمن را امیدوار می‌کنند که می‌تواند منفذی در بین مردم، در بین عوامل گوناگون، در بین مسئولان نظام باز کند. (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)

در آن حوادث، فتنه گرانی برای دست یافتن به قدرت، مصلحت کشور را نادیده گرفتند و به حقانیت روشن یک راه، پشت کردند، به گونه ای که دشمنان درجه یک ملت از اقدامات آنان به هیجان و شوق آمدند و از آنان حمایت کردند اما عده ای این حقایق روشن را ندیدند و نمی بینند، البته برخی هم با وجود اینکه این حقایق را درک و فهم می کنند اما به علت ظلمت دل و هواهای نفسانی، حاضر نیستند به این فهم خود، ترتیب اثر دهند. (۱۳۸۹/۰۹/۰۴).

رهبر انقلاب اسلامی اساس فتنه پس از انتخابات را، نفی آرای مردم، خدشه وارد آوردن به حضور ملت و اتهام و تهمت به نظام برشمردند و تأکید کردند: افرادی با ارتکاب این گناه بزرگ حاضر نشدند در مقابل قانون، " داور و شیوه داوری که قانون تعیین کرده است"، تسلیم شوند. (۱۳۸۸/۱۲/۰۶)

۱۱. بیّناتی که سران فتنه می توانستند متنبه شوند

آن کسی که برای انقلاب، برای امام، برای اسلام کار می کند، به مجردی که ببیند حرف او، حرکت او موجب شده است که یک جهت گیری ای علیه این اصول به وجود بیاید، فوراً متنبه می شود. چرا متنبه نمی شوند؟ وقتی شفتند که از اصلی ترین شعار جمهوری اسلامی - «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» - اسلامش حذف می شود، باید به خود بیایند؛ باید بفهمند که دارند راه را غلط می روند، اشتباه می کنند؛ باید تبری کنند. وقتی می بینند در روز قدس که برای دفاع از فلسطین و علیه رژیم غاصب صهیونیست است، به نفع رژیم غاصب صهیونیست و علیه فلسطین شعار داده می شود، باید متنبه بشوند، باید خودشان را بکشند کنار، بگویند نه نه، ما با این جریان نیستیم. وقتی می بینند سران ظلم و استکبار عالم از اینها حمایت می کنند، رؤسای آمریکا و فرانسه و انگلیس و اینهایی که مظهر ظلمند-هم در زمان کنونی، هم در دوره ی تاریخی صدسال و دویست ساله ی تا حالا-دارند از اینها حمایت می کنند، باید بفهمند یک جای کارشان عیب دارد؛ باید متنبه بشوند. وقتی می بینند همه ی آدمهای فاسد، سلطنت طلب، از اینها حمایت می کند، توده ای از اینها حمایت می کند، رقااص و مطرب فراری از کشور از اینها حمایت می کند، باید متنبه بشوند، باید چشمشان باز بشود، باید بفهمند؛ بفهمند که کارشان یک عیبی دارد؛ بلافاصله برگردند بگویند نه، ما نمیخواهیم حمایت شما را. چرا رودربایستی می کنند؟ آیا می شود با بهانه ی عقلانیت، این حقایق روشن را ندیده گرفت، که ما عقلانیت بخرج می دهیم! این عقلانیت است که دشمنان این ملت و دشمنان این کشور و دشمنان اسلام و دشمنان انقلاب، شما را از خود بدانند و برای شما کف و سوت بزنند، شما هم همین طور خوشتان بیاید، دل خوش کنید؛ این عقلانیت است؟! این نقطه ی مقابل عقل است. عقل این است که به مجردی که دیدید برخلاف آن مبانی ای که شما ادعایش را می کنید، چیزی ظاهر شد، فوراً خودتان را بکشید کنار، بگوئید نه نه، ما نیستیم؛ به مجردی که دیدید به عکس امام اهانت شد، به جای اینکه اصل قضیه را انکار کنید، کار را محکوم کنید؛ بالاتر از محکوم کردن کار، حقیقت کار را بفهمید، عمق کار را بفهمید؛ بفهمید که دشمن چه جوری دارد برنامه ریزی می کند، چه می خواهد، دنبال چیست؛ این را باید این آقایان بفهمند. من تعجب می کنم! کسانی که اسم و رسم خودشان را از انقلاب دارند - بعضی از این آقایان یک سیلی برای انقلاب نخوردند در دوران اختناق و طاغوت - و به برکت

انقلاب اسم و رسمی پیدا کردند و همه چیزشان از انقلاب است، می‌بینید که دشمنان انقلاب چطور بُراق شدند، آماده شدند، صف کشیدند، خوشحالند، می‌خندند؛ اینها را که می‌بینید؟ به خود بیایید، متوجه بشوید. (۱۳۸۸/۰۹/۲۲)

۱۲. روح حاکم جمعیت حماسه ساز ۹ دی

در قضیه‌ی ۹ دی سال ۸۸ یک نکته اساسی است و آن نکته برمی‌گردد به هویت انقلاب و ماهیت انقلاب. یعنی همان روحی که حاکم بود بر اصل انقلاب ما و آن حضور عظیم بی‌نظیر تاریخی در سال ۵۷، همان روح در ماجرای ۹ دی نشان داده شد؛ کما اینکه در قضایای گوناگون دیگر هم نشان داده شده، لیکن در ۹ دی به شکل بارزی نشان داده شد؛ به طوری که جای انکار و تردید و تأمل برای هیچ کس از بدخواهان و دوستان و دشمنان و دیگران باقی نگذارد. آن روح چه بود؟ روح دیانت حاکم بر دلهای مردم بود. پس اینجا ما دو تا عنصر در کنار هم داریم: یک عنصر، عنصر مردم است؛ که مردم در هر کشوری، در هر جامعه‌ای، اگر چنانچه همت کنند، بصیرت به خرج بدهند، عمل کنند و وارد میدان بشوند، میتوانند همه‌ی مشکلات را حل کنند. یعنی بزرگترین کوه‌ها در مقابل حضور مردم از بین می‌رود؛ می‌توانند کوه‌های بزرگ را جابه‌جا کنند. این یک حقیقت آشکاری است که بسیاری از تحلیلگران اجتماعی در کشورهای اسلامی و دیگر کشورها آن را درست لمس نکردند، درک نکردند؛ ما این را لمس کردیم. هنر بزرگ امام بزرگوار ما هم همین بود.

عنصر دوم هم عنصر ایمان دینی مردم است. ایمان دینی، آن معجزه‌گری است که قادر است اولاً همه‌ی مردم را بسیج کند و بیاورد، ثانیاً آنها را در صحنه نگه دارد، و ثالثاً سختی‌ها را برای آنها هموار و آسان کند؛ هیچ ایمان دیگری این خصوصیت را ندارد (۱۳۹۰/۰۹/۲۱)

۱۳. علل حضور در صحنه و خلق حماسه ۹ دی

کار شورای هماهنگی تبلیغات، مدیریت است؛ والا کار را مردم میکنند، و دلها دست خداست. مردم را خدای متعال توی صحنه می‌آورد؛ یعنی همان ایمان الهی و توفیق الهی و تأیید الهی است که مردم را در صحنه می‌آورد. ضمناً توجه داشته باشید؛ یکی از خصوصیات دیگری که در حادثه‌ی ۹ دی هست، که باز آن را کاملاً به حوادث انقلاب نزدیک میکند، مسئله‌ی عاشورا است.

در قضیه‌ی ۹ دی هم باز پای امام حسین در میان بود، پای عاشورا در میان بود. اگر آن حرکات سخیف و در واقع گریه‌آور از سوی این گروه‌های ایضاً سخیف، در عاشورا پیش نمی‌آمد، این حرکت عظیم و این تحرک عمومی مردم معلوم نبود به این شکل به وجود بیاید. اینجا هم پای عاشورا در میان بود. (۱۳۹۰/۰۹/۲۱)

۱۴. خلق حماسه ۹ دی و نتایج آن

مردم احساس وظیفه‌ی دینی کردند و دنبال این وظیفه، عمل صالح خودشان را انجام دادند. عمل صالح این بود که توی خیابان بیایند، نشان بدهند، بگویند مردم ایران اینند. با این حرکت مردم، آن حجم عظیم تبلیغات دشمن که میخواست فتنه‌گران را مردم ایران معرفی کند و اینجور نشان بدهد که مردم ایران از انقلابشان، از نظامشان برگشتند،

بکلی نقش بر آب شد؛ یعنی مردم نشان دادند که این، مردم ایران است. تحلیلگران خارجی وقتی نگاه کردند، گفتند از بعد از رحلت امام بزرگوار، یا شاید بعضی گفتند از بعد از حرکات اول انقلاب، هیچ اجتماعی با این بزرگی، با این تپش، با این شور و هیجان وجود نداشته، که مردم وارد میدان شدند. این، حقیقت ۹ دی است. (۱۳۹۰/۰۹/۲۱) وقتی امتحان خوب بدهید، خدا شما را بالا میبرد. امروز خط اسلام، خط ایمان بالله، خط انقلاب در کشور و در میان ملت، خیلی قوی‌تر، پررنگ‌تر و بالاتر است از آنچه که قبل از این فتنه بود. چرا؟ چون مردم، خوب امتحان دادند. این، نمره‌ی الهی است. این شد برای ما دستورالعمل. (۱۳۸۹/۱۰/۱۹)

ان تنصروا الله ينصركم و يثبت اقدامكم





دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
روابط عمومی

ویژه نامه وظایف مردم در شرایط فتنه



الْبِسْلَاءُ عَلَيْكَ يَا نَارَ اللَّهِ وَابْنَ نَارِهِ





مقام معظم رهبری:

حضور عظیم و خروشان مردمی در ۹ دی ۸۸، تجلی بارزی از هویت و ماهیت انقلاب یعنی روح دیانت حاکم بر دل‌های مردم بود.

وظایف مردم در شرایط فتنه از دیدگاه مقام معظم رهبری

حماسه نهم دی ماه، نقطه افتخار ملت ایران در به اثبات رساندن بصیرت، تعهد، آگاهی و انسجام مردمی است که در راستای تحقق آرمان‌های ارزشمند امام و شهید، همواره در صحنه حضور داشته‌اند. یوم الله ۹ دی خط بطلانی بر بافته‌های ذهنی و برنامه ریزی شده استکبار جهانی، صهیونیسم بین‌الملل و عوامل سرخورده و فریب خورده داخلی بود که حفظ و زنده نگه داشتن آن با هدف تداوم روحیه انقلابی و فتنه ستیزی، وظیفه ی دینی و انقلابی همگان است. حوادثی که این چند روز در کشور اتفاق افتاد نشان داد که دنیای استکبارو ضد انقلاب از حماسه ۹ دی آن عبرت بایسته را در این ماجرا نگرفته و همواره به دنبال فتنه‌های جدید است.

در ذیل وظایف مردم در شرایط فتنه از دیدگاه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) را از پیش رو می‌گذرانیم:

*شناخت دوست و دشمن و مخلوط نکردن آنها با هم

«من توصیه‌ام به همه ی ملت ایران این است: امروز بیشتر از همه چیز برای ما هوشیاری لازم است، شناخت دوست و دشمن لازم است. مبادا دوست را با دشمن اشتباه کنید؛ مبادا دوست و دشمن را مخلوط کنید؛ مبادا رفتاری که با دشمن باید داشت، با دوست انجام بدهید. این، خطاب به همه ی جناح هاست.

نظام اسلامی با اخلاالگران در امنیت مردم طبعاً برخورد می‌کند. این، وظیفه ی نظام است. نظام اسلامی اجازه نمی‌دهند که کسانی دستخوش فریب و توطئه ی دشمن بشوند، زندگی مردم را خراب کنند، آسایش مردم را به هم بزنند، جوانهای مردم را تهدید کنند. فرزندان این کشور عزیزند؛ همه عزیزند. نظام این اجازه را نخواهد داد.» (۱)

-وظایف تصریحی:

- ۱- شناخت دوست و دشمن.
- ۲- دوست را با دشمن اشتباه نگرفتن.
- ۳- دوست و دشمن را مخلوط نکردن.
- ۴- رفتاری که با دشمن باید داشت نباید با دوست انجام داد.

-وظایف استنباطی :

- ۱- بر خورد با اخلاالگران در امنیت عمومی وظیفه ی نظام است نه مردم.
- ۲- مردم در فتنه‌ها بیشتر شناخت اخلاالگران و اطلاع به مسوولین نظام را به عهده دارند.
- ۳- اشتباه در تشخیص دوست و دشمن و رفتار نادرست با دوست زمینه را برای اخلاالگران و دشمنان مناسب می‌کند.

*در اصول همدل باشیم و یکدیگر را تحمل کنیم

«این چیزهاست که بایستی ما بیدار باشیم، هشیار باشیم. ما مردم ایران هم همین جور. ما آنچه که می‌گوئیم، برای دیگران نیست؛ در درجه ی اول برای خودمان است. خود ما هم باید وحدت را حفظ بکنیم. ببینید همین آیاتی که الان خواندند: «وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا»-برادر شدید با هم- و كنتم على شفا حفرةً من النار فانقذكم منها؛ اسلام شما

را از آتش تفرقه نجات داد. فراموش کردید؟ هی این به آن ایراد بگیرد، آن به این ایراد بگیرد؛ فروغ را اصل بکنیم، اصول را فراموش کنیم، هی اختلاف بین ما بیفتد.

اینکه قرآن می‌گوید: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا». یعنی همه با هم اعتصام به حبل الله بکنید، خوب، این «همه» در سطح واحدی نیستند؛ بعضی ایمانشان قویتر است، بعضی ایمانشان ضعیفتر است، بعضی عملشان بهتر است، بعضی عملشان متوسط تر است؛ در عین حال خدای متعال به همه خطاب می‌کند. می‌گوید اعتصام به حبل الله را جمیعا بکنید، با هم بکنید. تو بگوئی من جداگانه اعتصام به حبل الله کردم و دیگری نه؛ او دیگری باز بگوید من جداگانه اعتصام به حبل الله کردم، این طرف رانه؛ اینکه نمی‌شود. همدیگر را تحمل کنید. اصولی هست، محورهایی هست؛ اصل این است که در این اصول همدل باشیم. ممکن است در صد تا از فروغ، افراد با همدیگر اختلاف داشته باشند، باشد؛ این منافات ندارد با اجتماع، با جمیع شدن، مجتمع شدن؛ اینها باید ملاک باشد.» (۲)

-وظایف تصریحی:

- ۱- هوشیار و بیدار بودن.
- ۲- حفظ وحدت اصل است.
- ۳- پرهیز از ایراد گیری‌های نابجا.
- ۴- فروغ را اصل نکردن.
- ۵- اصول را فراموش نکردن.
- ۶- اعتصام به حبل الله.
- ۷- همدیگر را تحمل کردن.
- ۸- همدلی بر اساس اصول.

-وظایف استنباطی :

- ۱- هر عملی که به وحدت عمومی لطمه وارد کند، نادرست و غلط است.
- ۲- هر عملی که ایجاد اختلاف کند، همسویی با دشمن و آب به آسیاب دشمن ریختن است.

*بی انصافی و بی عدالتی را کنار بگذارید، برادر و همکار باشید

«بعضی‌ها هی می‌خواهند اختلاف‌ها و شکاف‌ها را بیشتر کنند؛ نه، نباید اختلاف به وجود بیاید؛ همه با هم بردارند، همه با هم همکاری باید بکنند؛ همه باید برای ساختن کشور به یکدیگر کمک بکنند. به کسی نباید بیهوده تهمت زد؛ کسی را نباید به خاطر یک امر، از همه ی آن چیزهایی که صلاحیت محسوب می‌شود، انسان را او نفی بکند. با انصاف باید بود؛ با انصاف باید عمل کرد؛ با انصاف باید حرف زد. خدای متعال در مورد دشمنان می‌گویند: «وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ»؛ (۳) اگر با کسی دشمنید، این دشمنی موجب نشود که نسبت به او بی انصافی کنید، بی عدالتی کنید؛ حتی نسبت به دشمن؛ حالا آن که دشمن هم نیست، بی عدالتی‌ها را همه کنار بگذارند؛ بی انصافی‌ها را همه کنار بگذارند؛ همه در زیر پرچم نظام اسلامی و جمهوری اسلامی جمع بشود. (۴)

-وظایف تصریحی:

- ۱- اختلافها و شکافها را نباید بیشتر کرد.

۲- به کسی نباید بیهوده تهمت زد.

۳- بایستی با انصاف عمل کرد و با انصاف حرف زد.

۴- نباید بی انصافی و بی عدالتی کرد حتی نسبت به دشمن.

۵- همه در زیر پرچم نظام و جمهوری اسلامی جمع شوید.

-وظایف استنباطی :

- ۱- اختلافات و تشدید اختلافها در اثر بی انصافی و بی عدالتی و تهمت زدن بوجود می‌آید.
- ۲- انصاف، عدالت و پرهیز از تهمت زدن، نقشه بعضی‌ها و دشمنی در ایجاد اختلاف و تشدید آن را خنثی می‌کند.

*پایبندی به اصول

«اصولی وجود دارد، به آن اصول همه پایبندی خودشان را اعلام بکنند. در کنار هم باشند، اختلاف سلیقه هم باشد. چه اشکال دارد؟ همیشه اختلاف سلیقه بوده. در دورانه‌های مختلف هر جایی که این اختلاف سلیقه‌ها و اختلاف برداشتها با هوای نفس انسان مخلوط شد، کار خراب می‌شود. هوای نفس را باید خیلی ملاحظه کرد. به خودمان در فریب خوردن از هوای نفس سوء ظن داشته باشیم. نگاه کنیم ببینیم کجا نفس است و هوای نفسانی ماست؛ کجا نه.» (۵)

-وظایف تصریحی:

- ۱- پایبندی به اصول و تحمل اختلاف سلیقه‌ها.
- ۲- سوء ظن به هوای نفس خود و فریب نخوردن از آن .
- ۳- نباید اختلاف سلیقه‌ها با هوای نفس مخلوط شود.

-وظایف استنباطی :

- ۱- هوای نفس است که اختلاف سلیقه‌ها و برداشتها را تبدیل به اختلاف در اصول می‌کند. باید از آن پرهیز کرد.
- ۲- دشمن تلاش می‌کند تا اختلافات در برداشتها را به اختلاف در اصول تبدیل کند. باید مراقب آن بود.

*در بهترین شرایط هم، دشمن در کمین است

«تجربه‌هایی هم این انتخابات داشت. یک تجربه برای ملت ما و مسوولان ما بود من اصرار دارم بر اینکه این تجربه را همه مان جدی بگیریم؛ هم مسوولان جدی بگیرند، هم آحاد مردم جدی بگیرند. و آن تجربه این است که باور کنیم که همیشه امکان ضربه زدن از سوی دشمنان انقلاب و دشمنان ایران اسلامی هست؛ حتی در بهترین شرایط. همیشه کمین دشمن را در نظر داشته باشیم. غفلت از اینکه ممکن است به حرکت عمومی ملت ایران ضربه ای وارد شود، چیز خطرناکی است. هشیار باشید. این همان توصیه ی امیرمومنان (سلام الله علیه) است که فرمود: «وَ من نام لم ینم عنه». در عرصه ی زندگی سیاسی دچار خواب آلودگی نشویم؛ در پشت سنگرها خوابمان نبرد. اگر تو خوابت برد، باید بدانی که دشمن ممکن است بیدار باشد. این تحلیل نیست که ما می‌گوئیم، اطلاع است. دشمنان نظام جمهوری اسلامی، سعی کردند، تلاش کردند، شاید بتوانند در فضای آزادی ای که نظام اسلامی به مردم داده است، برای مردم دغدغه و دردسر درست کنند. سعی کردند، پول خرج کردند، رسانه‌های زیادی به را به کار انداختند، عوامل بسیاری را بسیج کردند، شاید بتوانند از این وضعیتی که برای ملت ایران یک عید به حساب می‌آمد، یک جشن بزرگ ملی به حساب می‌آمد، وضعیتی علیه ملت ایران درست کنند؛ تلاش شد. این تجربه بایستی برای ما همه ی ما، همه ی آحاد مردم تجربه ی هشدار دهنده ای باشد. اگر ما در صحنه ی زندگی سیاسی و اجتماعی به همدیگر بدبین باشیم، به چشم دشمن به یکدیگر نگاه کنیم، این فرصت برای دشمنان حقیقی ما پیش خواهد آمد. اگر فکر نکنیم، اگر بصیرت نداشته باشیم، اگر فراموش کنیم که دشمنانی در کمین انقلابند، ضربه خواهیم خورد؛ این برای ما تجربه شد.

ما از اول انقلاب در هیچ انتخاباتی حضور چهل میلیونی، هشتاد و پنج در صدی، نداشتیم. در این انتخابات، اولین بار چنین فرصت بزرگی پیش آمد؛ اما در همین فرصت بزرگ، در همین شادی بزرگ، دست‌هایی به کار افتادند برای اینکه ضربه ای به ملت ایران بزنند. باید بیدار بود. این بیداری فقط در زبان نیست؛ آحاد ملت، گرایش‌های مختلف سیاسی، دلیستگان به کشور، دلیستگان به نظام اسلامی، همه، همه، بایستی به معنای واقعی کلمه بیدار باشند؛ فریب نخورند. (۶)

-وظایف تصریحی:

- ۱- توجه به این نکته که همیشه حتی در بهترین شرایط امکان ضربه زدن از سوی دشمنان انقلاب و ایران اسلامی هست.
- ۲- در عرصه ی زندگی سیاسی دچار آلودگی نشدن.
- ۳- به همدیگر بدبین نبودن و به چشم دشمن به یکدیگر نگاه نکردن.
- ۴- بصیرت داشتن.
- ۵- اگر فراموش کنیم که دشمنانی در کمین انقلابند، ضربه خواهیم خورد.
- ۶- بیدار بودن به معنای واقعی کلمه و فریب دشمن را نخوردن.

-وظایف استنباطی :

- ۱-انتخابات دهم و حوادث پس از آن، تجربه بزرگی است که بایستی آن را جدی گرفت و مانع تکرار آن شد.
- ۲-هر وقت حضور ملت، افزایش چشمگیری پیدا می کند، دشمن در صدد تغییر آن و ضربه زدن بیشتر بر می آید.
- ۳-اختلافات زمینه را برای سوء استفاده دشمن و بسیج عوامل فرصت طلب، فراهم می نماید.

*مسئولین را موعظه، نصیحت و پیغام بدهید تا منحرف نشوند

«نکته ی دیگری که فعالان سیاسی، مسوولان، صاحبان قدرت، صاحب مسئولیت های گوناگون و متفدین بشدت بایستی مراقب آن باشند، مسئله ی انحراف و فساد پذیری شخصی است؛ همه مان باید مراقبت کنیم.انسان ها در معرض فسادند، در معرض انحرافند. گاهی لغزش های کوچک، انسان را به لغزشهای بزرگ و بزرگتر و گاهی به پرتاب شدن در اعماق دره هائی منتهی می کند؛ خیلی باید مراقب بود.قرآن هشدار داده است.در موارد متعدد، در قرآن این هشدار وجود دارد.یک جا می فرماید:«ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ اسَاءُوا السُّوءِ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ» (۷)؛ عاقبت بعضی از کارها این است که انسان به آن خانه ی بدترین می رسد که تکذیب آیات الهی است.یک جا می فرماید:«فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِی قُلُوبِهِمْ إِلَى یَوْمٍ یَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ» (۸)؛ خلف وعده ی با خدا کردند، این موجب شد نفاق در دل هایشان به وجود بیاید.یعنی انسان گناهی انجام می دهد، این گناه انسان را به وادی نفاق می کشاند؛ که نفاق، کفر باطنی است.همین جا در قرآن، کافرین و منافقین در کنار هم هستند. در یک آیه ی دیگر می فرماید:«إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ یَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّیْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا» (۹)اینی که می بینید یک عده ای در مقابل دشمن منهزم می شوند، طاقت نمی آورند، نمی توانند ایستادگی کنند، به خاطر آن چیزی است که قبلا از اینها سر زده است؛ باطن خودشان را با گناه و با خطا خراب کرده اند. لغزش ها انسان را فاسد می کند.این فساد، به انحراف در عمل و گاهی به انحراف در عقیده منتهی می شود.این هم به مرور پیش می آید؛ دفعتا پیش نمی آید که ما فکر کنیم یک نفری شب مومن می خوابد، صبح منافق از خواب بیدار می شود؛ نه، به تدریج و ذره ذره پیش می آید.این، علاجش هم مراقبت از خود است.مراقبت از خود هم یعنی همین تقوا.بنابراین علاجش تقواست. مراقب خودمان باشیم. نزدیکان افراد مراقبت کنند؛زنها از شوهرهایشان، شوهر ها از زنهایشان، دوستان نزدیک از همدیگر؛ «و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر».از یکدیگر مراقبت کنیم، برای اینکه دچار نشویم. مردم مسوولین را موعظه کنند، نصیحت کنند، خیر خواهی کنند، بنویسند برای آنها، بگویند برای آنها، پیغام بدهند تا مبادا دچار لغزش بشوند.خطرات لغزش مسوولین هم برای نظام، برای کشور و برای مردم بیشتر است.انسان گاهی در بعضی از حرفها، در بعضی از اقدام ها و تحرکات، این را احساس می کند؛ نشانه های یک چنین انحرافی را انسان مشاهده می کند.به خدا باید پناه برد ، از خدا باید کمک خواست.(۱۰)

-وظایف تصریحی:

- ۱-تقوا و مراقبت از خود در برابر انحراف و فساد پذیری شخصی.
- ۲-مراقبت از همدیگر در برابر انحراف و فساد پذیری شخصی.
- ۳-موعظه و نصیحت مسوولان و خیرخواهی برای مسوولان.
- ۴-گوشزد کردن لغزش های مسوولان.
- ۵-به خدا پناه بردن و از خدا کمک گرفتن.
- ۶-از لغزشهای کوچک و گناهان پرهیز کردن.

-وظایف استنباطی :

- ۱-فساد و انحراف ذره ذره پیش می آید با مراقبت و تقوا بایستی از آن پیشگیری و جلوگیری کرد.
- ۲-انحراف در عمل، به انحراف در عقیده منتهی می گردد و لذا مراقبت بر عمل مانع انحراف در عقیده است.
- ۳-گناه انسان را به وادی نفاق می کشاند، لذا منافقین انسان های گناهکار و فاقد مراقبت و تقوا هستند.عدم مراقبت و تقوا، انسان به نفاق گرفتار می کند.

*سکوت کردن و حرف نزدن، کمک به فتنه است

«این را هم عرض بکنیم؛ بعضی ها در فضای فتنه، این جمله ی «کن فی الفتنه کابن البون لا ظهر فیرکب و لا ضرع فیحلب» را بد می فهمند و خیال می کنند معنایش این است که وقتی فتنه شد و اوضاع مشتبه شد، بکش کنار! اصلا در این جمله این نیست که:«بکش کنار».این معنایش این است که به هیچ وجه فتنه گر نتواند از تو استفاده کند؛ از هیچ راه. «لا ظهر فیرکب و لا ضرع فیحلب».نه بتواند سوار بشود، نه بتواند تو را بدوشد؛ مراقب باید بود.در جنگ صفین ما از آن طرف عمار را داریم که جناب عمار

یاسر دائم-أثار صفین را نگاه کنید-مشغول سخنرانی است؛ این طرف لشکر، آن طرف لشکر، با گروههای مختلف؛ چون آنجا واقعا فتنه بود دیگر؛ دو گروه مسلمان در مقابل هم قرار گرفتند؛ فتنه ی عظیمی بود؛ یک عده ای مشتبه بودند.عمار دائم مشغول روشننگری بود؛ این طرف می رفت، آن طرف می رفت، برای گروه های مختلف سخنرانی می کرد-که اینها ضبط شده و همه در تاریخ هست-از آن طرف هم آن عده ای که «نفر من اصحاب عبدالله بن مسعود...» هستند، در روایت دارد که آمدند خدمت حضرت گفتند:«یا امیر المومنین-یعنی قبول هم داشتند که امیرالمومنین است-انا قد شککنا فی هذا القتال»؛ ما شک کردیم.ما را به مرزها بفرست که در این قتال داخل نباشیم!خوب، این کنار کشیدن، خودش همان ضرعی است که یحلب!همان ظهری است که یرکب!گاهی سکوت کردن، کنار کشیدن، حرف نزدن، خودش کمک به فتنه است.در فتنه همه بایستی روشننگری کنند؛ همه بایستی بصیرت داشته باشند».(۱۱)

-وظایف تصریحی:

- ۱-آلت دست فتنه گران نشدن و مراقبت از این که به هیچوجه فتنه گر نتواند از ما استفاده کند.
 - ۲-توجه به این نکته که گاهی سکوت کردن، کنار کشیدن، حرف نزدن، خودش کمک به فتنه است.
 - ۳-روشننگری و بصیرت در شرایط فتنه وظیفه همگانی است.
- ۱-آن هایی که سکوت می کنند یا کناره می گیرند فکر می کنند که به حدیث معروف عمل می کنند.فهم آنان از حدیث غلط است.
- ۲-در شرایط فتنه، آگاهان و نخبگان وظیفه بیشتری در روشننگری به عهده دارند.
- ۳-سکوت و کنار کشیدن در شرایط فتنه، کمک به فتنه گران در غبار آلودگی بیشتر جامعه است.

*به بصیرت اهمیت بدهید و آن را افزایش دهید

ببینید برادران و خواهران عزیز!خدای متعال به پیغمبرش در آن دوران دشوار مکه می فرماید:ای پیغمبر!من با بصیرت حکم می کنم؛ «قل هذه سیبلی ادعوا الی الله علی بصیره انا و من اتبعنی»؛ خود پیغمبر با بصیرت حرکت می کند، تابعان و پیروان و مدافعان فکر پیغمبر هم با بصیرت.این مال دوران مکه است؛ آن وقتی که هنوز حکومتی وجود نداشت، جامعه ای وجود نداشت، مدیریت دشواری وجود نداشت، بصیرت لازم بود؛ در دوران مدینه، به طریق اولی. اینی که من در طول چند سال گذشته همیشه بر روی بصیرت تأکید کرده ام، به خاطر این است که یک ملتی که بصیرت دارد مجموعه ی جوانان یک کشور وقتی بصیرت دارند، آگاهانه حرکت می کنند و قدم بر می دارند، همه ی تیغ های دشمن در مقابل آنها کند می شود.بصیرت این است.بصیرت وقتی بود، غبار آلودگی فتنه نمی تواند آنها را گمراه کند، آنها را به اشتباه بیندازد.اگر بصیرت نبود، انسان ولو با نیت خوب، گاهی در راه بد قدم می گذارد.شما در جبهه ی جنگ اگر راه را بلد نباشید، اگر نقشه خوانی بلد نباشید، اگر قطب نما در اختیار نداشته باشید، یک وقت نگاه می کنید می بینید در محاصره ی دشمن قرار گرفته اید؛ راه را عوضی آمده اید، دشمن

بر شما مسلط می شود.این قطب نما همان بصیرت است. در زندگی پیچیده ی اجتماعی امروز،بدون بصیرت نمی شود حرکت کرد.جوانها باید فکر کنند،بیاندیشند، بصیرت خودشان را افزایش بدهند.معلمان روحانی، متعهدان موجود در جامعه ی ما از اهل سواد و فرهنگ،از دانشگاهی و حوزوی، باید به مسئله ی بصیرت اهمیت بدهند؛ بصیرت در هدف، بصیرت در وسیله، بصیرت در شناخت دشمن، بصیرت در شناخت موانع راه، بصیرت در شناخت راه های جلوگیری از این موانع و برداشتن این موانع؛ این بصیرت ها لازم است.وقتی بصیرت بود، آنوقت شما می دانید با کی طرفید، ابزار لازم را با خودتان بر می دارید.یک روز شما می خواهید تو خیابان قدم بزنید، خوب، با لباس معمولی، با یک دمپائی هم می شود رفت و تو خیابان قدم زد؛ اما یک روز می خواهید بروید قله ی دماوند را فتح کنید، او دیگر تجهیزات خودش را می خواهد. بصیرت یعنی اینکه بدانید چه می خواهید، تا بدانید چه باید با خودتان داشته باشید».(۱۲)

-وظایف تصریحی:

- ۱-توجه به معنای بصیرت که چه می خواهید و چه باید با خودتان داشته باشید.بصیرت قطب نماست.
- ۲-بصیرت وقتی بود، غبار آلودگی فتنه نمی تواند انسان را گمراه کند.
- ۳-توجه به این نکته که اگر بصیرت نبود، انسان ولو با نیت خوب، گاهی در راه بد قدم می گذارد.
- ۴-توجه به این نکته که در زندگی پیچیده ی اجتماعی امروز، بدون بصیرت نمی شود حرکت کرد.
- ۵-ضرورت و لزوم داشتن.
- ۱/۵-بصیرت در هدف.
- ۲/۵-بصیرت در وسیله.
- ۳/۵-بصیرت در شناختن دشمن.
- ۴/۵-بصیرت در شناختن موانع راه.
- ۵/۵-بصیرت در شناخت راه های جلوگیری و برداشتن این موانع.
- ۶-روحانیون، دانشگاهی ها، متعهدان جامعه به بصیرت اهمیت بدهند.
- ۷-جوانان بصیرت خودشان را افزایش دهند.

-وظایف استنباطی :

- ۱-باید در حوادث و اتفاقات اندیشید و فکر کرد تا از فریب خوردن در امان بود.
- ۲-اهل سواد و فرهنگ از حوزوی و دانشگاهی باید در افزایش بصیرت جوانان و جامعه، تلاش نمایند.

*نگذارید حق و باطل مشتبه شوند

«من فقط یک جمله عرض بکنم؛ مخاطب من عموم مردمند، بخصوص جوانان؛ همه ی مردم کشورند، بخصوص این مناطق حساس. جوانان عزیز!هر چه می توانید در افزایش بصیرت خود، در عمق بخشیدن به بصیرت خود، تلاش کنید و نگذارید، نگذارید دشمنان از بی بصیرتی ما استفاده کنند؛ دشمن به شکل دوست جلوه کند، حقیقت به شکل باطل و باطل در لباس حقیقت.امیرالمومنین



مسئله برای آنها اهمیت دارد. این را توجه داشته باشیم؛ هر آنچه را که دشمن بر روی آن تکیه می کند و نقشه ی راه دشمن و طرح کلی دشمن بر روی آنها متمرکز است، او می تواند برای ما هم یک طرح کلی و نقشه ی راهی را در اختیار بگذارد. همان چیزی را که آنها آماج حمله قرار می دهند، ما باید توجه داشته باشیم و بدانیم که آنها را بایستی حفظ کنیم، باید بر روی آنها تکیه کنیم؛ حضور مردمی و معارف دینی و اسلامی». (۱۵)

-وظایف تصریحی:

- ۱- ادامه وفاداری نسبت به نظام.
- ۲- بی توجهی به شایعه سازی‌ها، بدبینی ها و یأسی که دشمن می پراکند.
- ۳- تقویت ارتباط و اعتماد به مسوولین.
- ۴- بی اعتنایی به زمزمه های دشمن در دو توطئه اسلام منهای روحانیت و اسلام منهای سیاست.

-وظایف استنباطی :

- ۱- تجربه اندوزی و افزایش بصیرت از حوادث و فتنه سال ۸۸.
 - ۲- افزایش روز افزون معرفت و فهم دینی و آگاهی سیاسی برای خنثی کردن توطئه های پیچیده دشمنان.
 - ۳- تقویت روز افزون اعتماد و ارتباط خود با روحانیت.
 - ۴- جدی گرفتن وحدت ملی و همبستگی با سه قوه
- برای اینکه به نماز اول وقت مومنین ضربه ای نخورد، من به طور مختصر چند اصل را برای رفتار خودمان-با توجه به نقشه ی دشمن- مطرح می کنم.
- یک مسئله، مسئله ی وحدت کلمه ی ملی است. مخاطب این، هم خواصند، هم عامه ی مردم. مسئله ی وحدت را باید جدی گرفت. من درباره ی وحدت کلمه ی مردم خیلی صحبت کردم، یک خصوصیات و شاخص هائی هم گفتم. صرف اینکه کسی بگوید ما طرفدار وحدتیم، کافی نیست؛ شاخص هائی دارد، علامت هائی دارد. مسئله ی دیگر، همبستگی روز افزون مردم و خواص با سه قوه است. همبستگی با قوای سه گانه ی کشور باید روز به روز بیشتر شود، باید کمک بشوند؛ بخصوص قوه ی مجریه که بارهای زیادی را بر دوش دارد. این شایعه درست کردن و زحمات را ندیده گرفتن، به هیچ وجه صلاح کار کشور و آینده ی کشور نیست. (۱۶)

-وظایف تصریحی:

- ۱- جدی گرفتن وحدت کلمه.
 - ۲- همبستگی روز افزون با سه قوه.
 - ۳- توجه به زحمات قوا بویژه قوه مجریه.
- #### -وظایف استنباطی :
- ۱- توجه به شاخص ها و علائم وحدت کلمه واقعی و اینکه افراد و گروهها تا چه اندازه پایبند به آن باشند.
 - ۲- نادیده انگاشتن زحمات قوا بویژه قوه مجریه و بی انصافی درباره ی اقدامات دولت، به نفع دشمنان است.

پی نوشت ها :

- ۱- سالروز ولادت حضرت امیرالمومنین علیه السلام، ۱۳۸۸/۴/۱۵.
- ۲- دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸/۵/۳.
- ۳- سوره مائده، آیه ۸.
- ۴- همان.
- ۵- همان.
- ۶- مراسم تنفیذ حکم دهمین دوره ریاست جمهوری، ۱۳۸۸/۵/۱۲.
- ۷- سوره روم، آیه ۱۰.
- ۸- سوره توبه، آیه ۷۷.
- ۹- آیه ۱۵۵، سوره بقره.
- ۱۰- خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۸/۶/۲۰.
- ۱۱- دیدار با اعضاء خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۷/۲.
- ۱۲- دیدار با مردم چالوس و نوشهر، ۱۳۸۸/۷/۱۵.
- ۱۳- نهج البلاغه، خطبه ۵۰.
- ۱۴- همان.
- ۱۵- اجتماع مردم قم، ۱۳۸۹/۷/۲۷.
- ۱۶- بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم، ۱۳۸۹/۷/۲۷.

هدفش هم این است که دین را در جامعه ضعیف کند.

در زمینه ی تضعیف وفاداری مردم نسبت به نظام هم کارهای زیادی می کنند؛ شایعه می سازند، برای اینکه مردم را ار مسوولین کشور، از روسا قوا مأیوس کنند. تخم بدبینی می پراکنند. هر کار شایسته ی با ارزشی که در سطح کشور انجام بگیرد، این را در وسائل تبلیغات گوناگون مورد تردید قرار می دهند. اگر ضعف هائی هست، چند برابر می کنند و نقاط قوت را نشان نمی دهند، برای اینکه مردم را ناامید کنند، بخصوص نسل جوان را ناامید کنند افق آینده را در مقابل نسل جوان و مردم تیره و تار نشان می دهند، برای اینکه مردم را از صحنه خارج کنند. لیکن نکته ی اساسی این است که دشمنان ملت ایران و دشمنان نظام اسلامی در طول این سی و دو سال، همه ی تلاشی را که در این دو مورد انجام داده اند، سرمایه گذاری های خسارتباری بود است؛ نتیجه ای نگرفتند و شکست قطعی خوردند. آنها خیال می کردند می توانند مردم را از نظام اسلامی جدا کنند. روز به روز که گذشته است، می بینید مردم پای بندیشان به مسائل دینی و ارزشهای معنوی بیشتر شده است. کی در کشور ما این همه جوان در مراسم معنوی شرکت می کردند؛ در مراسم عبادی ماه رمضان، در روز عید فطر؟ این اجتماعات عظیم، این روشن بینی مردم در زمینه ی مسائل سیاسی سابقه نداشته است. بعد از اهانتی که در روز عاشورای سال ۸۸ به وسیله ی یک عده تحریک شده نسبت به امام حسین انجام گرفت، دو روز فاصله نشد که مردم در روز ۹ دی توی خیابانها آمدند و موضع صریح خودشان را علنی ابراز کردند. دستهای دشمن و تبلیغات دشمن نه فقط نتوانسته مردم را از احساسات دینی عقب بنشانند، بلکه روز به روز این احساسات تندتر و این معرفت عمق تر شده است.

بدون تردید دشمن در جدا کردن مردم از نظام اسلامی شکست خورده است. سال گذشته در انتخابات، چهل میلیون مردم کشور پای صندوق های رأی رفتند. در واقع یک رفراendum چهل میلیونی به نفع نظام جمهوری اسلامی و به نفع انتخابات انجام گرفت؛ همین بود که دشمن را عصبانی کرد. خواستند با فتنه اثر آنرا از بین ببرند، اما این را هم نتوانستند انجام دهند. مردم در مقابل فتنه هم ایستادند. فتنه ی سال ۸۸ کشور را واکسینه کرد؛ مردم را بر ضد میکروب های سیاسی و اجتماعی ای که می تواند اثر بگذارد، مجهز کرد؛ بصیرت مردم را بیشتر کرد.

سال های گذشته در برخی مطبوعات کشور، بعضی افراد مدعی فهم و دانش، علیه دین، علیه مبانی اسلامی افاداتی می نوشتند؛ اینها هم در مردم اثری نکرد. این را توجه داشته باشید؛ دشمنان دو نکته ی اساسی را در باب دین دارند دنبال می کنند؛ چون دیده اند که این دو نقطه در زندگی مردم چقدر تأثیر گذار است: یکی مسئله ی اسلام منهای روحانیت است؛ چون دیده اند که روحانیت در جامعه ی ایرانی چه تأثیر شگرفی را به وجود آورد و بر حرکت مردم گذاشت. البته از قبل از انقلاب هم این زمزمه ها را می کردند. حضور روحانیون در انقلاب و پیشروی آنها در انقلاب، موقتا این معنا را از صحنه خارج کرد؛ اما باز شروع کردند. یکی هم اسلام منهای سیاست است، جدائی دین از سیاست است؛ اینها از جمله چیزهائی است که امروز دارند با اصرار فراوان در مطبوعات، در نوشته جات، در وسائل اینترنتی ترویج می کنند.

در یک خطبه ای از جمله ی مهمترین مشکلات جامعه همین را می شمارد: «انما بدء وقوع الفتن اهواء تتبع و احکام تبتدع یخالف فیها کتاب الله». (۱۳) در همین خطبه، امیرالمومنین می فرماید: اگر حق به طور واضح در مقابل مردم آشکار و ظاهر بشود، کسی نمی تواند زبان علیه حق باز کند. اگر باطل هم خودش را به طور آشکار نشان بدهد، مردم به سمت باطل نخواهند رفت. «ولکن یوخذ من هذا ضغث و من هذا ضغث فیمزجان». آن کسانی که مردم را می خواهند گمراه بکنند، باطل را به صورت خالص نمی آورند؛ باطل و حق را آمیخته می کنند، ممزوج می کنند، آن وقت نتیجه این می شود که «فهنالک یستولی الشیطان علی اولیائه». حق، برای طرفداران حق هم مشتبه می شود. این است که بصیرت می شود اولین وظیفه ی ما، نگذاریم حق و باطل مشتبه بشود». (۱۴)

-وظایف تصریحی:

- ۱- تلاش در جهت افزایش و عمق بخشیدن به بصیرت خود.
- ۲- تلاش در جهت کسب بصیرت در شناخت دشمن و تشخیص حق و باطل.
- ۳- نباید گذاشت حق و باطل مشتبه بشود.

-وظایف استنباطی :

- ۱- باید دشمن را در لباس دوست و باطل را در لباس حق شناخت.
- ۲- مهمترین راه نفوذ دشمن و بستر مورد استفاده او، عدم آگاهی و جهل نسب به دشمن و شیوه ها و ابزارهای دشمنی اوست.

*وفاداری، اعتماد، حضور و پشتیبانی مردم از مسوولین

«مردمی بودن، یعنی این انقلاب از سوی مردم وفادارانه مورد حمایت قرار بگیرد؛ نظام اسلامی از سوی مردم مورد تأیید و حمایت و پشتیبانی کامل قرار بگیرد. این هم در طول این مدت تأمین بوده است. اگر حضور مردم نمی بود، اگر فاصله ی بین مردم و نظام ایجاد می شد، نظام نمی توانست در مقابل دشمنان مقاومتی بکند. این حضور مستحکم مردم است که پشتوانه ی ایستادگی مسوولان است. این دو تا نقطه ی اصلی است: دین و مردم. لذا دشمن هم همین ها را آماج حملات خود قرار داده است؛ دین را یک جور، وفاداری و اعتقاد مردم را یک جور. اینکه شما ملاحظه می کنید از سال های دهه ی ۶۰، از دوران حیات با برکت امام، چه دشمنان بیرونی و چه مزدوران یا نوکران بی مزد و منت آنها از داخل، مقدسات دینی را، حقایق دینی را، بینات اسلامی را مورد تردید و انکار قرار دادند، این یک چیز تصادفی نبوده است؛ روی این تکیه داشته اند.

این مسئله از ماجرای سلمان رشدی آغاز شد تا فیلم های ضد اسلام هالیوودی، تا کاریکاتورها، تا قرآن سوزی، تا حوادث گوناگونی که علیه اسلام در این گوشه و آن گوشه اتفاق افتاد، برای اینکه ایمان مردم را به اسلام و مقدسات اسلامی کم کنند. در داخل کشور، از طرق مختلف، پایه های ایمان مردم، بخصوص نسل جوان را متزلزل کنند؛ از اشاعه ی بی بند و باری و اباحیگری، تا ترویج عرفانهای کاذب-جنس بدلی عرفان حقیقی-تا ترویج بهائیت، تا ترویج شبکه ی کلیساهای خانگی؛ اینها کارهائی است که امروز با مطالعه و تدبیر و پیش بینی دشمنان اسلام دارد انجام می گیرد؛





مسابقه سراسری بصیرت حماسی به مناسبت ۹ دی

۱. خصوصیت برجسته ای است که مردم همواره باید به آن توجه داشته باشند و به محض توطئه دشمن، به صورت لحظه ای واکنش نشان دهند.

☐ هوشیاری و موقع سنجی لحظه ای

☐ آگاهی دشمنان به توطئه

☐ تجدید میثاق با شهدا

☐ حب نفس و دوری از شیطان

۲. گناه بزرگ و غیرقابل اغماض فتنه گران این است که را به چالشی در مقابل نظام تبدیل کردند و به نظام و کشور ضربه زدند

☐ عدم تمکین به قانون و بی توجهی خود

☐ حق مسلم خود

☐ شبهه و خدشه ذهنی خود

☐ ضربه به اموال دولت

۳. هدف از ایجاد فتنه چیست؟

☐ رهانیدن مردم از جهل

☐ سوق دادن مردم به حقیقت

☐ ایجاد حکومت علوی

☐ گمراه کردن مردم

۴. سکوت و کنار کشیدن در شرایط فتنه، در جامعه است.

☐ از وظایف اصلی مردم

☐ کمک به خاموش شدن فتنه

☐ کمک به فتنه گران در غبار آلودگی بیشتر

☐ از وظایف نخبگان

۵. وظایف مردم در شرایط فتنه از دیدگاه مقام معظم رهبری کدامند؟

☐ شناخت دوست و دشمن و مخلوط نکردن آنها با هم

☐ در اصول همدل باشیم و یکدیگر را تحمل کنیم

☐ بی انصافی و بی عدالتی را کنار بگذارید، برادر و همکار باشید

☒ همه موارد

۶. کدامیک از وظایق تصریحی مردم در مقابل فتنه نمی باشد؟

☐ آلت دست فتنه گران نشدن و مراقبت از این که به هیچ وجه فتنه گر نتواند از ما استفاده کند

☐ توجه به این نکته که گاهی سکوت کردن، کنار کشیدن، حرف نزدن، خودش کمک به فتنه است

☐ روشنگری و بصیرت در شرایط فتنه وظیفه همگانی است

☒ هر عملی که به وحدت عمومی لطمه وارد کند، نادرست و غلط است

۷. به توصیه قرآن لازمه ی پرهیز از فتنه چیست؟

☒ خودنظارتی

☐ بینش جنگی

☐ تقویت اراده و توکل

☐ خوباوری

۸. به فرموده ی رهبری فتنه مثل یک مه غلیظ، فضا را نامشخص میکند؛ چراغ مه شکن لازم است که همان است

☐ سرمایه

☒ بصیرت

☐ رسانه

☐ اراده